

## ۱۸جامعه

کوتاه تر گزارش

## یوزها هنوز در حاشیه می‌دوند

🔴 این‌که حالا ۲۶ سال است وقتی روزهای تقویم به نهم شهریور می‌رسد به یاد یوزپلنگ‌هایی که با خطر انقراض می‌دوند می‌افتیم، فی نفسه اتفاق خوبی است، آگاهی بخش است و بهانه‌ای برای زنده نگهداشتن امید بقا برای این گونه ناب در طبیعت ایران، این‌که ۲۶ سال پیش همگان فکر می‌کردند دیگر خبری از یوز در حیات‌وحش ایران نیست و پیدا شدن «ماریتا» در بافق یزد دوباره امید را به دوستداران حیات‌وحش ایران بازگرداند، این‌که روز ۹ شهریور برای دوستداران طبیعت ایران به نام این گونه جانوری سند خورد، همه و همه چراغ کم‌سویی در دل فعالان محیط‌زیست ایران روشن کرد اما این سال‌ها همه همان تهدیدهای پیش از ۹ شهریور ۱۳۷۳ همچنان برای این گونه جانوری طبیعت ایران ادامه دارد. همچنان سازمان حفاظت محیط‌زیست برنامه جامعی برای حفاظت و زادآوری یوزپلنگ ارائه نکرده‌است و بدتر از آن دولت مدعی محیط‌زیست و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست آن اهمیتی به بقای این گونه جانوری نمی‌دهد.

عیسی کلانتری در نخستین نشست خبری خود در آبان ۹۶ گفته‌بود (باید پذیریم یوزپلنگ ایرانی نیز مثل بسیاری از گونه‌های دیگر از بین رفته، محکوم به نابودی است.) عوامل تهدیدکننده یوز به جز ناکارآمدی دولت‌ها در حفظ و بقای آن هم ادامه دارد، همچنان جاده‌سازی در زیستگاه این حیوان باعث کشته‌شدن تعداد قابل توجهی از آنها می‌شود، چندتکه شدن زیستگاه آنها خودش به تنهایی عاملی برای از بین رفتن این گونه جانوری است و جاده‌کشی‌های بسیار در این محدوده هم آمار تصادفات آنها را به شکل قابل توجهی افزایش داده‌است.

🔴 **ضرورت‌فرهنگ‌سازی**

هنوز به دلیل ضعف در کارهای فرهنگی برخی دامن‌داران یوز را دشمن خود می‌دانند و جانب این‌که بداینم هنوز هم یکی از دلایل مهم کشته شدن یوز، حمله سگ‌های گله به این حیوان است. این‌که فکر کنیم در این دو دهه هنوز برای رصد و داده‌کادی تعداد یوزهای ایران دچار مشکلیم، ساده‌انگاری است؛ چرا که اگر همین دو عامل یعنی تخریب زیستگاه این حیوان و فرهنگ سازی دامن‌داران و بومیان این منطقه را رعایت کنیم، گام بلندی در جهت حفظ این گونه جانوری برداشت‌ایم. همه مشکلات و تهدیدها هم مربوط به برنامه‌ریزی درست دولتها و البته فعالیت دوستداران محیط‌زیست نمی‌شود، آن‌طور که در گزارش موسسه جهانی «حیات‌وحش در خطر انقراض» آمده یوزها دچار مشکلات ژنتیک هم هستند.

همین مشکلات باعث شده شانس باروری این گونه جانوری در جفت‌گیری طبیعی به کمتر از ۲۰درصد برسد. بنابراین حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی، مهم‌ترین اصل در حفاظت از حیات‌وحش است. چراکه وجود زیستگاه طبیعی به معنای زندگی طبیعی یک گونه است؛ زادآوری طبیعی، تغذیه طبیعی و روال عادی زندگی. پس نخستین اصل، حفاظت از زیستگاه‌هایی است که هنوز ظرفیت نگهداری یک گونه را دارند. اواسط دهه ۱۳۸۰صحت ۷۰ تا صد فرد یوزپلنگ در سراسر ایران می‌شد، با شروع دهه ۱۳۹۰ این عدد به ۷۰ تا ۱۲۰ فرد رسید. تحقیقات دو ساله پروژه بین‌المللی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی نشان داد در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن تعداد یوزهای ایران به ۵۰ فرد برسد. هر چند هنوز هم عیار درستی برای آمارگیری از یوز ایرانی وجود ندارد. در این میان خبرهای خوب هم در این سال‌ها بوده، تازه‌ترین اردیبهشت امسال روی حافظه دوربین محیط‌باتان سمناي ذخیره‌گاه زیست کره توران ثبت شد. یک ویدئوی سه‌دقیقه‌ای از یک خانواده پنج فردی از یوزپلنگ‌های ایرانی کافی بود تا امیدها به نجات آنها از خطر انقراض بیشتر شود. هرچند چنین اتفاقاتی امید را به اردوگاه دوستداران یوز برمی‌گرداند، اما نمی‌توان فراموش کرد محیط‌زیست هنوز برای بسیاری از مدیران در حاشیه است و تا زمانی که مسائلی مانند یوز در حاشیه باشد، به تعداد گونه‌های در خطر انقراض اضافه می‌شود. 🔴



اورژانس اجتماعی شنبه گذشته وارد ۲۳سالگی شد بااین حال هنوز بسیاری از خانواده‌ها یا خدماتی که این نهاد ارائه می‌دهد، آشنایی ندارند

**عکس:** photosahr.ir

### تغییر رشته فرزندان هیات علمی ممنوع شد

با ابلاغ بخشنامه‌ای جدید، فرزندان اعضای هیات علمی می‌توانند به دانشگاه شهر محل فعالیت والدین خود انتقالی بگیرند، اما حق تغییر رشته را نخواهند داشت. دستورالعمل جدید اجرایی نقل و انتقال فرزندان اعضای هیات‌علمی با امضای منصور غلامی وزیر علوم، سعید نمکی وزیر بهداشت و محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی برای اعمال در کنکور سراسری سال ۹۹ ابلاغ شد. / جام‌جم دیلی



بیش از ۲ دهه از فعالیت اورژانس اجتماعی می‌گذرد؛ آیا این نهاد توانسته گرهی از آسیب‌های اجتماعی کشور باز کند؟

# اورژانس کمرنگ اجتماعی

🔴 سرعت آسیب‌های اجتماعی کاهش نیافته‌است، چارچوب خانواده‌های زیادی هر روز به دلیل مسائل مختلفی مانند اعتیاد، حاشیه‌نشینی و طلاق سست می‌شود. برای رفع این مشکلات نسخه‌های زیادی تاکنون پیچیده شده‌است؛ اما به نظر می‌رسد تلاش‌ها تاکنون آن‌طور که باید کارساز نبوده‌است. برای نمونه حدود ۲۳ سال پیش فعالیت اورژانس اجتماعی در کشورمان کلید خورد اما هنوز هم شهروندان زیادی با فعالیت این نهاد آشنا نیستند و در معابر شهر نیز خودروهای این نهاد حضور کم‌رنگی دارند. هرچند کارشناسان و

آسیب‌دیدگان اجتماعی جزو گروه‌های هدف این نهاد محسوب می‌شوند.

اما همین نکته که اورژانس اجتماعی توانسته‌است با وجود این گروه‌های هدف در طول این سال‌ها به فعالیت خود ادامه دهد، ناشی از حمایت‌های دولتی به‌خصوص در زمینه تعریف جایگاه این نهاد در مقررات رسمی کشور بوده‌است. نکته‌ای که موسوی چلک با اشاره به آن می‌گوید: «ما برای نهادینه شدن همکاری‌های بین بخشی با اورژانس اجتماعی، در سال‌های ۸۷ و ۸۸ پیش‌نویس لایحه‌ای را نوش‌تیم که بتواند پس از طی مراحل اداری تبدیل به قانون شود. آیین‌نامه مربوط به تعریف برنامه‌های اورژانس اجتماعی نیز بالاخره در ۲۶ شهریور سال ۹۱ با انجام اصلاحاتی در هیات دولت به تصویب رسید و در نهایت، این آیین‌نامه پس از انجام اصلاحات مجدد در خرداد ۹۲ تصویب و ابلاغ شد.»

آن‌طور که رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران توضیح می‌دهد، در ابتدای ابلاغ برنامه‌های اورژانس اجتماعی، همکاری‌های برون‌سازمانی قوی و همکاری‌های درون‌سازمانی ضعیفی با این نهاد انجام می‌شود. او در این باره می‌گوید به طور مثال در سال‌های اول، اورژانس اجتماعی با قوه قضاییه تفاهم‌نامه‌ای را امضا می‌کند و وزارت کشور و نیروی انتظامی هم همکاری‌های مناسبی را با این نهاد آغاز می‌کنند، اما به نظر موسوی چلک، در آن سال‌ها همکاری بخش‌های مختلف سازمان بهزیستی با اورژانس اجتماعی ضعیف بود. موسوی چلک هراس از تغییر را مهم‌ترین علت سنگ‌اندازی‌های درون‌سازمانی پیش پای اجرای برنامه‌های اورژانس اجتماعی تعریف می‌کند و توضیح می‌دهد: «معمولا ساختارهای سنتی از تغییر گریزان هستند، چون می‌ترسند با این کار ناچار به انجام کارهای بیشتری باشند. بعد از ابلاغ برنامه‌های اورژانس اجتماعی نیز همه می‌دانستند با این کار مراجعه از طریق اورژانس اجتماعی به واحدهای دیگر بیشتر می‌شود و این به باور برخی مدیران یعنی در‌دسر بیشتر.»

### ثبت بیش از ۴۴۱ هزار ولادت در ۵ ماه گذشته

سیف‌ا... ابوترابی، سخنگوی سازمان ثبت‌احوال کشور گفت: از ابتدای فروردین ۲۰ت مرداد امسال ۴۴۱ هزار و ۶۷۰ ولادت ۱۸۵ هزار و ۶۵۹ فوتی در کشور ثبت شده‌است. وی افزود: از ۴۴۱ هزار و ۶۷۰ ولادت ثبت شده در کشور، ۲۲۸ هزار و ۳۶۸ نفر پسر و ۲۱۳ هزار و ۳۰۲ دختر بودند و نسبت جنسیتی ثبت شده در این مدت ۱۰۷ پسر به ازای هر ۱۰۰ دختر بوده‌است. به گفته ابوترابی میانگین سن مادران این نوزادن متولد شده در این مدت نیز ۲۹ سال و میانگین سن پدران نیز ۳۴ سال است. / ایرنا

### اورژانس اجتماعی زیر ذره‌بین نقد

انتقاده‌ها به عملکرد اورژانس اجتماعی، چندان تازه نیست و کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی سال‌هاست نقدهایی را به آن وارد می‌کنند. تعدادی از این کارشناسان بر این باورند اورژانس اجتماعی نه فقط کارایی لازم را در بیش از دو دهه فعالیت خود نداشته‌است، بلکه این ایده اصلا پاسخگوی مشکلات آسیب‌دیدگان اجتماعی نیست.

به باور این دسته از کارشناسان، اورژانس اجتماعی اصولا هیچ کارایی مشخصی در ایران ندارد؛ زیرا در کشور ما این نهاد فقط افتتاح شده و در عمل هیچ بستر مناسبی برای فعالیت آن فراهم نشده‌است.

موضوع متخصص نبودن بخش زیادی از کارکنان اورژانس اجتماعی نیز از جمله نقدهای است که در سال‌های اخیر به‌صورت مکرر به این نهاد وارد شده‌است؛ زیرا حتی براساس اذعان حسن موسوی چلک به عنوان بنیانگذار اورژانس اجتماعی، اکنون بسیاری از افراد شاغل در این نهاد فاقد تجربه و تخصص لازم برای حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی هستند. حتی بیشتر افراد شاغل در اورژانس اجتماعی، مدرک تحصیلی مرتبط با این حرفه ندارند که این خود معضلی بزرگ برای این اورژانس محسوب می‌شود.

نکته دیگر آن است که با گذشت سال‌ها از تاسیس اورژانس اجتماعی، هنوز هم بخش زیادی از مردم یا اصلا آن‌را نمی‌شناسند یا با کارکردهای آن آشنایی کافی ندارند. علت اصلی این مساله هم ناکافی بودن تبلیغات برای ترویج برنامه‌های اورژانس اجتماعی در سطح جامعه است. البته برخی کارشناسان معتقدند در صورت بیشتر شدن حجم تبلیغات مربوط به اورژانس اجتماعی، با توجه به گستردگی انواع آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور، قطعا تعداد مراجعه‌کنندگان به این نهاد به نحو چشمگیری افزایش پیدا می‌کند. این در حالی است که تعداد اندک نیروهای در اختیار اورژانس اجتماعی نمی‌تواند پاسخگوی مراجعات فعلی آن باشد. البته برای رفع معضل کمبود نیروی انسانی اورژانس اجتماعی نیاز سازمان بهزستی باید دست به جیب ببرد و افراد بیشتری را برای کار کردن در این نهاد در اختیار بگیرد، اما آنچه از حرف‌های مسؤولان این سازمان برمی‌آید، این است که فعلا این سازمان چنین پولی در بساط ندارد.

وقتی از مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکار اجتماعی ایران نیز درباره ضعف‌های اورژانس اجتماعی می‌پرسیم به ما می‌گوید شایسته‌سالاری و پاسخگویی در اورژانس اجتماعی کمرنگ است. به گفته او، کارشناسان اورژانس اجتماعی، باید همگی مددکار اجتماعی باشند تا بتوانند به جامعه هدف‌شان به‌درستی خدمات بدهند. اما کمتر از ۲ درصد کارمندان این نهاد، مددکار اجتماعی هستند و هیچ یک به استخدام سازمان بهزیستی درنیامده‌اند. اقلیما ادامه می‌دهد: مشکل دیگر کمبود خانه امن برای زنان و کودکان است، چراکه برخی خانه‌های امن، به سازمان وا‌رگان‌های دیگر واگذار شده‌است.

موضوعات حساس و حاکمیتی است و به جز پایگاه خدمات اجتماعی که رویکرد آن محله‌محور است، حتما باید سایر بخش‌های مربوط به اورژانس اجتماعی در نهادهای دولتی باقی بماند. موسوی چلک البته از جمله کارشناسانی است که هنوز اعتقاد دارد اورژانس اجتماعی باید زیر چتر سازمان بهزیستی باقی بماند.

او دلایل خود را در این‌باره این‌طور شرح می‌دهد: «هیچ سازمانی به اندازه بهزیستی صلاحیت حرفه‌ای و تخصصی سرپرستی از اورژانس اجتماعی را ندارد. البته مسؤولان بهزیستی باید ساختار درونی این سازمان را برای ایفای وظایف اورژانس اجتماعی آماده‌تر کنند. همچنین دولت باید در تغییر ساختار این نهاد و تشکیلات اداری آن و جذب نیروی انسانی متخصص و تامین منابع لازم کمک‌کند. مسؤولان دستگاه اجرایی باید به این نکته توجه داشته‌باشند که در صورت هزینه نکردن برای تقویت اورژانس اجتماعی، باید برای توسعه کمی پاسگاه‌ها و زندان‌ها پول بیشتری هزینه‌کنند که متأسفانه ظاهرا علاقه‌مندی به صرف بودجه در این راه‌ها بیشتر است.» 🔴

کار آینده یک کودک نجات داده می‌شود و احتمال گرفتار شدن او به آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین درباره ادعای متخصص نبودن مددکاران فعال در اورژانس اجتماعی نیز باید گفت در این زمینه بزرگ‌نمایی‌های زیادی صورت گرفته‌است؛ زیرا با نگاهی به کادر فعال در اورژانس اجتماعی می‌توان گفت بر خلاف اعتقاد برخی، بیشتر مددکاران اجتماعی فعال در این نهاد فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی یا کارشناسی ارشد رشته‌های مرتبط با فعالیت‌های این اورژانس هستند. ضمن این که در سال‌های گذشته ما دوره‌های آموزش تخصصی لازم را نیز برای نیروهای این نهاد برگزار کرده‌ایم. در مجموع باید گفت وجود این نهاد حتما می‌تواند برای کاهش سطح آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور

پیدا می‌کند. به عنوان مثال، در موضوع خودکشی همه موارد در همه شهرها به مراکز اورژانس اجتماعی ارجاع نمی‌شود. بلکه ابتدا با آتش‌نشانی و بعد از آن با اورژانس طبی تماس گرفته می‌شود و تعداد کمی از این آسیب‌ها به اورژانس اجتماعی ارجاع می‌یابد. عده‌ای هستند که این محدودیت اختیارات را به ناکارآمدی کلی برنامه‌های اورژانس اجتماعی تعبیر می‌کنند، اما باید تاکید داشت این نگاه منصفانه نیست؛ زیرا اگر منصفانه نگاه کنیم، خواهیم دید اورژانس اجتماعی بر اساس ظرفیت‌ها و امکاناتش بهترین عملکرد را داشته‌است. عملکرد مثبتی که به‌ویژه در بحث کودک‌آزاری بیشتر به چشم می‌آید. اصلی‌ترین وظیفه‌ای هم که می‌توان برای اورژانس اجتماعی متصور بود، داشتن تمرکز روی بحث کودک‌آزاری است زیرا با این

**حسین اسدیگی، رئیس پیشین اورژانس اجتماعی** موضوع آسیب‌های اجتماعی مساله گسترده‌ای است که فعالیت چند نهاد به تنهایی منجر به کاهش محسوس آن نمی‌شود. بنابراین این که تصور کنیم بیش از دو دهه فعالیت اورژانس اجتماعی باید به از بین رفتن آسیب‌های اجتماعی منتهی شود، تصویری اشتباه و ناشی از شناخت ناکافی نسبت به جامعه ایران است. ضمن این که برای رفع آسیب‌های اجتماعی در درجه اول باید اصل پیشگیری را در دستور کار قرار داد که این کار از عهده اورژانس اجتماعی خارج است. مرحله بعد از پیشگیری، مداخله است که اورژانس اجتماعی صرفا در برخی موارد این مرحله ورود



### اورژانس اجتماعی، ویت‌رین سازمان بهزیستی

## جامعه+ 🍎

موثر باشد، اما به شرط این که این نهاد به اندازه کافی به استفاده از کارشناسان فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی توجه داشته باشد؛ زیرا بی‌اعتنایی به فعالان این حوزه منجر به دل‌سردی آنها خواهد شد. همچنین باید توجه داشت در سال‌های اخیر اورژانس اجتماعی به جایی رسیده‌است که هر وقت مسؤولان بهزیستی می‌خواهند عملکرد این سازمان را به رخ بکشند، از خودروهای اورژانس اجتماعی استفاده می‌کنند و به نوعی اورژانس به‌ ویت‌رینی درباره عملکردهای بهزیستی تبدیل شده‌است. بنابراین اورژانس اجتماعی امروزه یکی از برندهای بهزیستی است؛ برندی که علاوه بر آن که می‌توان از آن برای شناساندن خدمات بهزیستی به مردم بهره برد، باید اهمیت و احترامی ویژه نیز برای نیروهای فعال آن قائل بود.